

تحلیل جغرافیایی نقش در آمد و سطح دسترسی به منابع و خدمات در شکل‌گیری رفتار روستائیان در محیط در مناطق روستایی (مطالعه موردی: شهرستان تالش)

مسعود یحیی زاده نوجو کامبری - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران
تیمور آمار* - دانشیار گروه جغرافیه، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران
عیسی پور رمضان - استادیار گروه جغرافیه، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران
بهمن رضانی - استاد گروه جغرافیه، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۵/۱۶

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۷/۱۷

چکیده

مقدمه: سطح توانمندی و دسترسی به منابع، امکانات و خدمات از جمله عواملی است که در رفتار روستائیان در محیط موثر است.

هدف پژوهش: هدف از این پژوهش مقایسه چهار ناحیه ارتفاعی روستاهای شهرستان تالش از نظر تاثیرات رفتاری بر محیط می باشد.

روش شناسی تحقیق: روش تحقیق مقاله حاضر پیمایشی و کتابخانه‌ای بوده و جامعه آماری تحقیق شامل سکونتگاه‌های روستایی چهار ناحیه ساحلی، جلگه، کوهپایه و کوهستان در شهرستان تالش از توابع استان گیلان است. تعداد ۳۸۶ پرسشنامه که از روش آلفای کرونباخ با پایایی ۰/۷۸ ارزیابی گردید در نواحی مطالعاتی تکمیل و داده‌های حاصل از آن برای توصیف در نرم افزار آماری SPSS بررسی و تحلیل شده است.

قلمرو جغرافیایی تحقیق: روستاهای نواحی ساحلی، جلگه‌ای، کوهپایه‌ای و کوهستانی شهرستان تالش در استان گیلان.

یافته‌ها و بحث: یافته‌ها نشان می‌دهد، روستاهای ناحیه جلگه‌ای از حیث دسترسی به خدمات و درآمد وضعیت بهتری نسبت به سایر نواحی دارند. نکته قابل توجه در این است که طی مطالعات انجام گرفته و بررسی‌های میدانی میزان آلودگی، تخریب محیط، تغییرات غیرمجاز برای ساخت مسکن و اثرات منفی بر تغییر محیط اندک است.

نتایج: در سنجش نگرش‌های روستائیان از دو رویکرد مثبت و منفی نسبت به محیط پیرامون متاسفانه نگرش مثبت نسبت به نگرش منفی در نواحی مطالعاتی سطح پایین تری دارد و این وضعیت در شکل‌گیری رفتار نامطلوب نسبت به محیط پیرامون از جمله تخریب و بهره‌برداری نامناسب از منابع در کنار میل رو به افزون کسب درآمد بیشتر می‌تواند به روند رابطه نادرست انسان و محیط تاثیر گذارد.

واژه‌های کلیدی: اقتصاد روستایی، برنامه‌ریزی سکونتگاه، شهرستان تالش، رفتار فضایی.

نحوه استناد به مقاله:

یحیی زاده، مسعود، آمار، تیمور، پوررمضان، عیسی، رضانی، بهمن. (۱۴۰۰). تحلیل جغرافیایی نقش درآمد و سطح دسترسی به منابع و خدمات در شکل‌گیری رفتار روستائیان در محیط در مناطق روستایی (مطالعه موردی: شهرستان تالش). *مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۶(۲)، ۳۹۱-۴۰۶.
DOR: 20.1001.1.25385968.1400.16.2.15.0

مقدمه

انسان در کنش خود بر آن است تا محیط طبیعی را به محیط جغرافیایی بدل سازد یعنی به محیطی که انسان‌ها آن را در جریان تاریخ می‌سازند و پرداخت می‌کنند و این واقعه‌ای نو در عرصه تاریخ است (دولفوس، ۱۳۶۹: ۱۵۳). فضا حاصل عملکرد انسان در محیط است و زمان و مکان از عناصر ویژه تشکیل دهنده فضا می‌باشد. گروه‌های انسانی تحت تاثیر آرا و اندیشه‌های برگرفته از تحولات محیطی و انسانی تمدن‌ها و فرهنگ‌های متفاوتی را در طول تاریخ بوجود آورده‌اند که هر یک بر اساس ویژگی‌های خود بر محیط انسانی و طبیعی اثرات مختلفی بر جای گذاشته است. لازم است تا در مطالعات جغرافیای انسانی به نظام‌های اجتماعی و تنوعات و ویژگی‌های آن و هم چنین اثرات آن در محیط طبیعی توجه لازم به عمل آید (بهبروز، ۱۳۷۹).

بر اساس یافته‌های مدون در طول یک دوره زمانی ارزش‌ها و باورهایی در ذهن انسان بارگذاری خواهد شد که حاوی اطلاعات محیطی نیز است، و این شکل‌واره، تصورات ذهنی را در محیط به ظهور می‌رساند و آشکار می‌کند. دیوید لاونتال که از پیشگامان مکتب جغرافیای رفتاری بود و اولین بار عنوان جغرافیای شخصی را مطرح کرد، می‌گوید: «هر فردی شخصاً مجموعه‌ای از شناخت و ارزش‌های محیطی را دارا می‌باشد که جغرافیای شخصی او محسوب می‌شود». وی به تفاوت جغرافیای تصویر ذهنی هر فرد معتقد بود. او به سه قلمرو معتقد بود: ۱- جهان فیزیکی ۲- عقاید در مورد محیط ۳- رفتار مردم در محیط. جغرافیای رفتاری در پی کشف و شناخت نقشه‌های ذهنی مردم و پرده‌برداری از ادراکات عمیق آن‌ها درباره‌ی مکان‌هاست. جغرافیای رفتاری، الگوی فضایی رفتار را به مثابه یک فرآیند شناختی-ادراکی تبیین می‌کند در این مکتب، ابعاد فضاهای روانشناختی به همان اندازه تعیین کننده‌اند که ابعاد فضاهای فیزیکی تعیین کننده هستند. شکل‌واره محیط رفتاری را، اولین بار "ویلیام کرک" در سال ۱۹۵۲ میلادی مطرح ساخت. وی معتقد بود روابط انسان و محیط از دو بعد پدیداری و رفتاری تشکیل می‌شود (شکویی، ۱۳۸۲).

محیط ذهنی یا رفتاری به صورت میدان عمل روانشناختی است که در آن براساس ارزش‌ها و باورهای فرهنگی الگوها و ساختار شکل می‌گیرند و تصمیمات برای عملی شدن اتخاذ می‌گردند (فنی، ۱۳۹۴) در اصول مکتب رفتارگرایی و رفتار فضایی عوامل متشکله فضا، یعنی انسان- فعالیت و مکان نقش مهمی دارند، انسان به عنوان دارنده نقشه ذهنی و عنصری خلاق با قدرت انتخاب و دارای توان عملکردی در مکان، به عنوان بستر اجرای فعالیت انسان که نماد رفتار و نیاز انسان در مکان به شمار می‌آید، عامل اصلی در شکل‌گیری فضا و نقشه ذهنی است که تحت تاثیر متغیرهای زیر منسجم می‌شود:

۱. عوامل و مناظر محیطی

۲. تجارب و آموزش‌های دریافتی از جامعه

۳. انتظارات و نیازهای فردی و گروهی بر اساس باورها و ارزش‌ها

۴. دانش و آگاهی و مهارت‌های فردی

رویکرد رفتارگرایی^۲ در جغرافیای انسانی دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به اهمیت رسید (Aitken & Valentine, 2006:338). بر اساس این ایده، مردم عامل تعیین کننده در توزیع فضا هستند. رفتارگرایی تلاش می‌کند توزیع فضایی فعالیت‌های انسانی را توضیح دهد. و در نتیجه از یک مدل پیچیده جهانی استفاده می‌کنند. اسکینر (۱۹۷۱) علل رفتار آدمی را در محیط جستجو می‌کند و بر اساس کشفیات و نظریات پاولف، واتسن و تورندایک نتیجه‌گیری می‌کند که تقریباً تمام رفتارهای انسان تحت تسلط و نفوذ عوامل تقویت کننده محیط وجود می‌آیند. جورج برکل از فلاسفه و روانشناسان معروف قرن هجدهم معتقد بود که عالم محسوس وابسته به ذهن است. در جغرافیا شناخت محیط در جهت بهره‌گیری، بهینه‌سازی انسان از محیط و تحلیل رفتار انسان در محیط مورد تاکید می‌باشد^۳.

در مکتب رفتارگرایی، محیط اجتماعی بر رفتار فرد تاثیر گذار است اما تاثیر فرد بر محیط ناچیز است. از این رو برای شناخت رفتار انسانی باید علل آن را در محیط اجتماعی جستجو کنیم و معلول‌ها یا رفتارها را در مرتبه دوم قرار دهیم (فنی، ۱۳۹۴). جغرافی-دانان ادراکی-رفتاری، انواع روش‌های تحقیق سازنده مثل نقشه‌ها، الگوها و ساختارهای فضایی را در جهت تکمیل موضوعات رفتاری مثل ادراکات ذهنی، سازه‌ها و... مطرح نموده‌اند. به عنوان مثال در یکی از تحقیقات تجربی در این زمینه بیان شد که درآمد

^۲Behaviouralism

^۳ <http://omran-geo.blogfa.com>

افراد از عواملی است که در تشریح الگوهای مصرف و به تبع آن گونه‌های غذایی و بهره‌برداری از محیط تاثیرگذار است. به این ترتیب نقش عوامل ذهنی در رابطه با جهت‌گیری نقش‌ها همراه است (بهرروز، ۱۳۷۰، ۵۴). کسب درآمد نیز یکی از محرک‌های اصلی برای رفتار انسان با محیط پیرامون خود محسوب می‌شود. در واقع بررسی چگونگی توزیع درآمد در محیط‌های مختلف جغرافیایی می‌تواند محقق را به رفتارهای گوناگون در محیط برساند که ناشی از همان ادراک ذهنی جوامع گوناگون با توزیع درآمدی متفاوت است.

کلیتون و مایرز ادعا می‌کنند که نگرش محیطی بر اساس ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی است و ترکیبی از باورهای مردم، پاسخ‌های عاطفی و نیت‌های رفتاری نسبت به مشکلات محیطی است (Matsiori & Halkosa, 2017:70). اگر نظری جغرافیایی به مکتب رفتارگرایی داشته باشیم علل شکل‌گیری آن را می‌توانیم در تفاوت‌های رفتاری مناطق مختلف جغرافیایی بدانیم. زمین به عنوان بستر فعالیت‌های تکنولوژی انسانی شرایط گوناگون را مهیا ساخته که انسان‌ها متناسب با توان فکری و خود از آن بهره‌برداری کرده یا در مقابل آن از خود واکنش نشان می‌دهند این رفتارها در چارچوب جغرافیای رفتاری قابل بررسی می‌باشد. در انجام این بررسی‌ها نگرش به محیط می‌بایست با مولفه‌های جغرافیایی صورت گیرد. آنچه که نباید از بنیان‌های جغرافیایی نظر دور نگه داشته شود در مورد مبانی نظری مکتب رفتارگرایی و همچنین ادراکات ناشی همانا پیوندی است که بین این دو از طریق روانشناسی محیط و از شناخت محیط برقرار می‌گردد (حمزه، ۱۳۸۸، ۹۲). فرآیند تحلیل فضایی توصیف چگونگی و استدلال چرایی پراکندگی‌ها را شامل می‌شود. نتیجه‌ی این فرآیند تولید دانش علمی مستند و در نهایت تبیین پراکندگی‌ها است (Harvey, 1969). مجموعه شرایط خارجی که موجود زنده یا جامعه را احاطه کرده و به نحوی در رفتار و فعالیت‌های آن‌ها موثر افتد محیط خوانده می‌شود، رفتارگرایان، غالباً تأثیرات سه محیط را در رفتارها و فعالیت‌های انسانی مورد مطالعه قرار می‌دهند که شالوده مکتب جغرافیای رفتاری را تشکیل می‌دهد: محیط جغرافیایی، توان محیطی و نظریه جبر محیطی (فزون، ۱۳۹۶). تردیدی نیست که مطالعه جامعه روستایی و تأثیر رفتار آنان در محیط از الزامات برنامه‌ریزی توسعه روستایی است و کشف تصاویر ذهنی و عوامل موثر در شکل‌گیری رفتار می‌تواند کمک زیادی برای تدوین برنامه‌ها و طرح‌های قابل اجرا و موثر نماید، نواحی روستایی مکان تجلی و بروز رفتارهای ساکنان آن است که از حیث منابع و موقعیت ویژگی‌های متفاوتی دارند، از طرفی دیگر درآمد و خصوصیات هزینه‌ای خانوارهای روستایی نیز سطوح متفاوتی دارد، بدون تردید اقتصاد روستایی که ناشی از نظام هزینه درآمد و سرمایه‌گذاری روستایی است می‌تواند منشاء اثرات و رفتارهای مختلفی توسط روستاییان در محیط باشد.

دسترسی روستایی وضعیت مهمی برای بهبود زندگی مردم بوده است. عدم دسترسی فرصت افراد را محدود می‌کند نه تنها در انتخاب‌های اقتصادی بلکه از جنبه‌های آموزشی و بهداشتی. مطالعات گوناگون نشان داد که بین دسترسی بهتر و سنجش فقر، سلامت و اندازه‌گیری آموزشی رابطه مثبت وجود دارد (Thomas Soseco, 2016). یولینگ ما و همکاران بیان کرده‌اند، تفاوت در رفتارهای مصرف‌کننده در بین ساکنان رابط شهری و روستایی تحت تأثیر متقابل پیچیده عوامل اقتصادی، اجتماعی و مکانی است (Yuling Ma et al, 2020). شاکائو و همکاران اثبات نموده‌اند که سطح توسعه اقتصادی یک روستا و خصوصیات رهبران روستا با عرضه و کیفیت خدمات جمع‌آوری زباله‌های مسکونی روستایی (RRSWC) ارتباط مثبت دارد (Sha Cao et al, 2018).

با توجه به برنامه‌ریزی‌های متعدد توسعه روستایی در چند دهه گذشته در ایران و همچنین صرف بودجه‌های خاص در اجرای این برنامه‌ها، نتیجه توسعه نیافتگی روستاها بوده است به نظر می‌رسد که محیط انسان ساختی همچون سکونتگاه‌های انسانی را باید با تغییر در نگرش‌های رفتاری و ادراک محیطی ساکنان آن تغییر داد، باید بدانیم مردم محیط اطراف خود را چگونه می‌بینند و چه المان‌هایی برای آنان مهم است (نیلی، ۱۳۹۰)، سازمان ملل متحد به‌عنوان مبنایی برای مشارکت مردم دریافته است که نمی‌توان رهیافت‌های کلان بالا به پایین را که تماماً توسط ارگان‌های رسمی دست‌اندرکار توسعه اتخاذ شده‌اند، به راحتی با واقعیت‌های روزمره روستاییان وفق داد (بالان، ۱۳۸۲)، از سویی در حوزه برنامه‌ریزی روستایی باید اذعان داشت "در مرحله تدوین و طراحی برنامه، اهداف بر اساس نیازها و خواسته‌های مردم روستایی صورت نمی‌گیرد، سهم مشارکتی کنشگران محلی شامل مردم روستایی، مدیران روستایی و نخبگان در هر سه بخش تهیه و تدوین، اجرا و پایش و ارزیابی بسیار ناچیز است، اهداف اقتصاد روستایی بدون در نظر گرفتن شرایط جغرافیایی منطقه و نیازهای مردم بومی بر اساس اهداف کلی برنامه‌های توسعه کشور نگاشته

⁴ Rural residential solid waste collection

و بعضاً اجرا می‌گردد (فاطمی و همکاران، ۱۳۹۸). بعد از چند دهه تلاش جهت توسعه‌ی مناطق روستایی و حفاظت از منابع روستایی و منابع آب و خاک این نواحی متأسفانه گسترش فقر و بیکاری و تخریب منابع طبیعی در بسیاری از کشورها به ویژه مناطق روستایی کشورهای در حال توسعه ادامه یافته است. زیرا طی سه دهه برنامه‌ریزی (۱۹۵۰-۱۹۸۰) معیارهای کاهش فقر و بیکاری و نابرابری در تعریف توسعه مورد توجه نبوده است (Todaro, 1992:133). از عوامل اصلی تخریب محیط زیست در اقتصاد رو به توسعه، فقیر شدن روستاییان بر اثر فشار افزایش جمعیت است (شرفی‌نیا، ۱۳۹۰). نتیجه برنامه‌ریزی‌های متعدد توسعه‌ی روستایی در ایران و همچنین صرف بودجه‌های کلان در اجرای این برنامه‌ها، کاهش روبه رشد جمعیت روستاها بوده است به نظر می‌رسد که محیط انسان ساخت همچون سکونتگاه‌های انسانی را باید در تغییر نگرش‌های رفتاری و ادراک محیطی ساکنان آن‌ها مورد مطالعه قرار داد.

فاطمی و همکاران، با بررسی الگوی حاکم بر نظام برنامه‌ریزی توسعه پایدار اقتصاد روستایی ایران، الگوی برنامه‌های موجود را در توسعه روستاها نامناسب ارزیابی کرده است (فاطمی و همکاران، ۱۳۹۸). نعیمی، با استفاده از نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده، نقش زنان روستایی را در شکل‌گیری رفتار مناسب با محیط زیست بسیار اثرگذار توصیف نموده است (نعیمی، ۱۳۹۷). ورمزبازی و همکاران، به ضعف برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری بدون در نظر گرفتن انتظارات و نیازهای واقعی روستائیان اشاره کرده است (ورمزبازی و همکاران، ۱۳۹۷). فزونی، دسترسی به منابع طبیعی و ویژگی‌های مثبت محیطی را در توسعه اقتصادی قابل توجه عنوان کرده است (فزونی، ۱۳۹۶). پرهیزکاری و همکاران، توزیع و تنوع درآمد ناشی از منابع درآمدی را ناعادلانه دانسته و تاثیر آن را در رشد اقتصادی و رفتار اقتصادی نامناسب ارزیابی نموده است (پرهیزکاری و همکاران، ۱۳۹۴). شرفی‌نیا، ابعاد چگونگی تاثیر رفتار انسانی ناشی از فقر را در محیط زیست مورد مطالعه نموده است (شرفی‌نیا، ۱۳۹۰). شیروانیان، در نتایج پژوهش خود تقریباً ۴۷ درصد روستائیان فقیر را ریسک‌پذیر دانسته و نتیجه گرفته این وضعیت در رفتار آن‌ها در روش کسب درآمد تاثیر دارد (شیروانیان، ۱۳۸۹). مطیعی، در پژوهشی به جایگاه حفظ محیط زیست در برنامه‌ریزی روستایی اشاره نموده و با بررسی ۲۵ روستای نمونه به تدوین شاخص‌های حفاظت محیط زیست روستایی توجه نموده است (مطیعی، ۱۳۸۸). جزایری و نیازی، در پژوهشی ابعاد و اثرات متقابل مدیریت منابع و فقر روستایی را بررسی کرده‌اند (جزایری و نیازی، ۱۳۷۵). خانی، در تحقیقات خود ضمن روشن ساختن معنای فقر، به تشریح ابعاد و نحوه مبارزه با آن در مناطق روستایی می‌پردازد (خانی، ۱۳۷۱). به‌رغم سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و برنامه‌های رفاهی که از سوی دولت در روستاها به اجرا گذاشته شده؛ ولی باز در توسعه‌نیافتگی روستا شکی نیست، مشکلات موجود بر سر راه توسعه، بی‌توجهی به مردم روستا از نظر ادراکی است و مشکلات بافت‌های روستایی اعم از توسعه نیافتگی، دگرگونی سریع (دچار بی‌هویتی شدن)، فضاهای غیرکارآمد و غیره نشان از بی‌توجهی برنامه‌های روستایی به ادراکات محیطی است (نیلی، ۱۳۹۰). یافته‌های پژوهشی بین سال‌های ۷۶ تا ۹۲ حکایت از آن دارد که در دوره مورد بررسی خط فقر بر مبنای مفهوم مطلق در مناطق روستایی کشور (به استثنای سال‌های ۸۴، ۸۳، ۷۸) همواره از روندی افزایشی برخوردار بوده است (بهرامیان، ۱۳۹۶). همواره عامل اقتصاد و درآمد متغییر مهمی در شکل‌گیری رفتار در حوزه محیط پیرامون داشته است. اقتصاد روستایی مفهومی بسیار وسیع‌تر از اقتصاد کشاورزی دارد و شامل تمام مبنای اقتصادی خانوارهای روستایی از کشاورزی تا صنعت و خدمات غیر از آن دارد (ازکیا، ۱۳۷۸، ۳۹). عواملی مانند جمعیت و نیروی انسانی، مبادلات خارجی (یاسوری، ۱۳۹۴)، سرمایه و سرمایه‌گذاری، ابداعات (متوسلی، ۱۳۸۲) در اقتصاد روستایی بسیار موثرند.

به نظر نگارنده انجام مطالعاتی این چنین، امکان انطباق بیشتر برنامه‌های توسعه با انتظارات و نیازهای واقعی روستاها و وضعیت ساکنان آن را فراهم خواهد کرد. فقدان شناخت و ارزیابی و تحلیل مناسب از نیازها انتظارات و نگرش‌های حاکم بر روستائیان اجرای موفق برنامه‌ها را کاهش داده است، اما برای شناخت و ارزیابی مسائل در روستاها و تحلیل و درست آن‌ها برای رسیدن به راه حل‌های مورد قبول جامعه روستایی از کدام چارچوب نظری باید بهره برد؟ نیازها و انتظارات روستائیان از سبک و شرایط زندگی ادراکات و تصاویر ذهنی، اصولی را ترسیم می‌کند که منجر به رفتار هماهنگ اجتماعی و فردی خواهد شد، متأسفانه در ایران در خصوص این بخش مطالعات کمی صورت می‌گیرد و اطلاعات قابل اتکایی در این رابطه نداریم لذا برنامه‌ها و طرح‌های اجرایی بدون در نظر گرفتن این عامل مهم تدوین و بطور آمرانه اجرایی می‌گردد. بر این اساس هدف از این پژوهش مقایسه‌ی چهار ناحیه ارتفاعی روستاهای شهرستان تالش از نظر تاثیرات رفتاری بر محیط می‌باشد.

روش پژوهش

روش تحقیق حاضر جزو مطالعات پیمایشی توصیفی بوده و منطقه مورد مطالعه تحقیق شامل سکونتگاه‌های روستایی چهار بخش ساحلی (منفی ۳۰ تا صفر متر)، جلگه (۱ تا ۲۰۰ متر)، کوهپایه (۲۰۱ تا ۵۰۰ متر) و کوهستان (بالای ۵۰۰ متر) در شهرستان تالش است. بر اساس نتایج سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۵، در این شهرستان ۲۸۲ روستای دارای سکنه و ۸۲ روستای خالی از سکنه و ۱۲ روستای برخوردار از سه خانوار و کمتر وجود دارد (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان، ۱۳۹۵). با توجه به گسترده بودن جامعه آماری، نمونه برداری با استفاده از روش خوشه‌بندی دو مرحله‌ای انجام گرفته است. برابر روش خوشه‌بندی از میان هر کدام از بلوک‌های ارتفاعی به صورت تصادفی تعدادی روستا برای آمارگیری انتخاب شده و از میان روستاهای گزینش شده خانوارها نیز به همان روش تصادفی برای تکمیل پرسش‌نامه انتخاب شده‌اند. از آنجایی که جامعه مورد مطالعه بزرگ بود؛ با استفاده از جدول مورگان، حجم نمونه مشخص شد. بر اساس این جدول حجم نمونه برای جوامع نامحدود بالای ۱۰۰۰۰ نفر ۳۸۴ در نظر گرفته می‌شود که بسته به تعداد نمونه‌ها در جوامع چهارگانه‌ی بالا تقسیم شد. جامعه آماری این تحقیق به تعداد ۱۰۰ روستا (۸۱ روستا در ارتفاع منفی ۳۰ متر تا صفر متر، ۱۵۷ روستا در ارتفاع صفر تا ۲۰۰ متر، ۲۳ روستا در ارتفاع ۲۰۱ تا ۵۰۰ متر و ۱۲۳ روستا در ارتفاع ۵۰۱ متر به بالا) با ۴۲۱۱۶ نفر جمعیت تعیین شد.

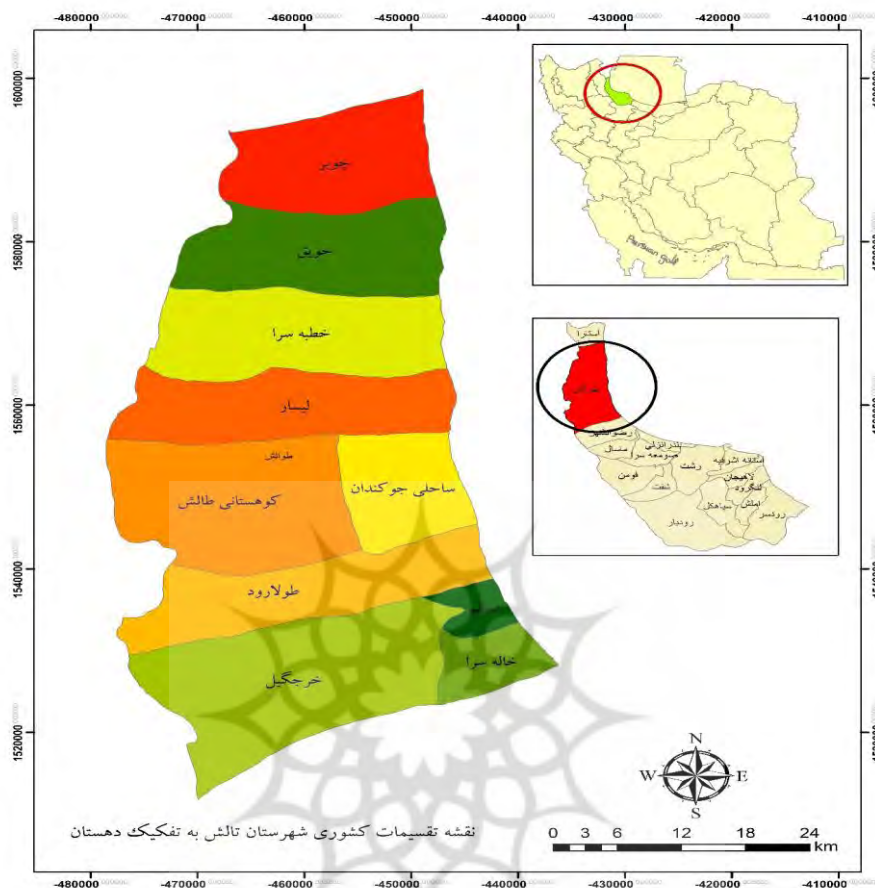
پس از مصاحبه با ۱۵ نفر از خبرگان و کارشناسان و استخراج گویه‌های پرسشنامه، برای اطمینان از روایی محتوایی تعداد ۳۰ پرسش‌نامه تکمیل شد و پایایی ساختاری آن، با استفاده از روش آلفای کرونباخ در نرم افزار SPSS ۰/۷۸ ارزیابی گردید، در مرحله میدانی پرسش‌نامه‌ی مذکور به تعداد ۳۸۶ عدد در روستاهای نمونه‌ی نواحی چهارگانه مطالعاتی در سال ۱۳۹۶ با انجام مصاحبه حضوری با سرپرستان خانوار در محل همان روستا تکمیل گردید که شامل مجموعه گویه‌هایی برای شناسایی نگرش مثبت و منفی رفتار محیطی، بررسی میزان میل به کسب درآمد بیشتر، بررسی میزان و سطح دسترسی به منابع محیطی و خدمات بود و همچنین چک لیست‌های بررسی عوامل و ابعاد تخریب منابع محیطی روستا نیز بر اساس مشاهدات محقق تکمیل گردیده است، برای استخراج نتایج و تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه‌ها و چک لیست‌های مشاهدات میدانی از نرم افزار آماری SPSS و PLS استفاده شد.

مجموعه گویه‌های بخش نگرش مثبت و منفی پرسشنامه نوع رفتار ساکنین نسبت به حفظ محیط پیرامون را نشان می‌دهد، به عبارتی دیگر رضایتمندی و نگرش مثبت نشان دهنده خشنودی انسان از فعالیت در مکان است و عواملی مانند سطح دسترسی به منابع قابل دسترس در محیط طبیعی و پیرامون و سطح درآمد که در حوزه مشترک مکان-فعالیت قرار دارد در ایجاد و شکل‌گیری رفتار مثبت یا منفی موثر هستند.

قلمرو جغرافیایی پژوهش

متناسب با عوامل موثر اقلیمی، پوشش گیاهی، توپوگرافی و همچنین ویژگی‌های سکونتگاه‌های روستایی در جغرافیای گیلان؛ مراکز روستایی در چهار ناحیه ساحلی، جلگه‌ای، کوهپایه‌ای و کوهستانی پراکنده هستند. بر اساس اطلاعات موجود از مجموع روستاهای استان ۱۰۵۰ روستا ارتفاع ۰ تا ۲۰۰ متر (جلگه‌ای) و ۷۱۸ روستا در ارتفاع ۳۰- تا ۰ (ساحلی) و ۳۷۰ روستا ارتفاع ۲۰۱ تا ۵۰۰ (کوهپایه‌ای) و ۷۵۳ روستا ارتفاع ۵۰۰ + دارند (سازمان مدیریت برنامه‌ریزی استان گیلان - گروه نقشه و GIS، ۱۳۹۷). بیشترین پراکندگی در بخش جلگه‌ای استان بوده و پس از آن روستاهای مستقر در کوهستان بیشترین سهم را دارا می‌باشند. شهرستان تالش حدود ۱۲ درصد از روستاهای استان گیلان را در خود جای داده است که از این تعداد بیشترین سهم را نواحی کوهستانی و کمترین سهم را نواحی کوهپایه‌ای دارند. شهرستان تالش در شمال شهرستان رضوانشهر، جنوب غربی دریای خزر، جنوب شهرستان آستارا و شرق استان اردبیل به صورت نوار شمالی بین عرض‌های ۳۷ درجه و ۲۳ دقیقه تا ۳۸ درجه و ۱۶ دقیقه شمالی و طول‌های ۴۸ درجه و ۳۲ دقیقه و تا ۴۹ درجه و ۳ دقیقه شرقی قرار دارد (شکل ۱). مساحت آن ۲۱۶۰ کیلومتر مربع است (سازمان مدیریت برنامه‌ریزی استان گیلان، ۱۳۹۵). مرکز تالش شهرستان هشترپ است که ۳۶/۳۶ کیلومتر مربع مساحت دارد و نوار جداکننده دریای خزر از کوهستان تالش محسوب می‌شود (اصلاح عربانی، ۱۳۸۷). بر اساس اطلاعات ارتفاعی موجود در بخش

ساحلی شهرستان تالش ۵۸ روستا، جلگه‌ای ۱۱۱ روستا، کوهپایه‌ای ۲۵ روستا و کوهستانی نیز ۱۶۸ روستا قرار دارد (سازمان مدیریت برنامه‌ریزی گیلان، ۱۳۹۵).



شکل ۱. موقعیت و نقشه تقسیمات کشوری شهرستان تالش

منبع: (سازمان مدیریت برنامه‌ریزی گیلان، ۱۳۹۵)

جمعیت ساکن در نقاط روستایی این شهرستان شامل ۵۷۱۸ نفر مرد و ۵۷۸۰۰ نفر زن می‌باشد. ناحیه ساحلی شهرستان تالش به شکل نواری باریک در امتداد دریا و از بخش خاله‌سرا تا بخش حویق امتداد دارد. از نظر جمعیتی بیشتر آبادی‌های دارای سکنه و بر خوردار از سه خانوار و بالاتر در نواحی جلگه و کوهستانی قرار دارند. ناحیه کوهپایه‌ای در رتبه سوم و کمترین مراکز سکونتگاهی روستایی در ناحیه ساحلی وجود دارد اما از حیث توزیع جمعیت بیشترین جمعیت ابتدا در ناحیه جلگه و سپس در ناحیه ساحلی سکونت دارند، لذا از نظر تراکم جمعیتی هر قدر به سمت ارتفاع حرکت می‌کنیم از تراکم جمعیت کاسته می‌شود. در این شهرستان بیشترین تعداد روستاها ابتدا در نواحی جلگه‌ای و سپس در نواحی کوهستانی واقع است و این نسبت نقش زیادی در توزیع جغرافیایی درآمد روستائیان دارد. وجود امکانات، خدمات، زیرساخت‌ها و سهولت دسترسی به آن‌ها می‌تواند از جمله دلایل تمرکز بیشتر جمعیت در مراکز روستایی ساحلی و جلگه‌ای باشد.

ناحیه‌ی ساحلی تالش جز بخش‌های مرطوب کشور محسوب می‌شود و میزان پوشش گیاهی آن همانند سایر نواحی تالش از نوع پوشش گیاهی پهن برگ است (بازنگری طرح آمایش سرزمین، ۱۳۹۶، ۵۸). بر اساس اطلاعات به دست آمده از طرح آمایش استان، میزان تغییرات کاربری در این ناحیه طی بازه‌ی زمانی ۳۰ ساله بالا بوده و زمین‌های زراعی منطقه تغییر کاربری زیادی داشته‌اند. بیشترین تعداد روستاها را در ناحیه‌ی ساحلی دهستان چوبر داشته که در شمالی‌ترین قسمت شهرستان قرار دارد.

حداصل جلگه‌ای در شهرستان تالش کم بوده و عرض جلگه در این محدوده دارای پهنای حدود یک کیلومتر تا چند کیلومتر است. ناحیه کوهپایه‌ای از ارتفاع ۱۰۰ الی ۵۰۰ متر گسترده شده و غالباً از تپه‌های منفرد و کم ارتفاع تشکیل شده است که امروزه در شرق تا حدودی غرب گیلان جزء مناطق چای‌کاری است و بخش اعظم آن نیز پوشیده از جنگل است. ناحیه‌ی کوهستانی از ارتفاع ۵۰۰ متر به بالا با شیب بیش از ۲۰ درصد تشکیل یافته است که دارای منطقه غربی و شرقی در گیلان می‌باشد. منطقه غربی که جهتی شمالی - جنوبی داشته و رشته کوه تالش از رودخانه آستاراچای تا سفیدرود کشیده شده که بلندترین نقطه آن دارای ۳۳۰۰ متر ارتفاع (قله بکروداغ) می‌باشد.

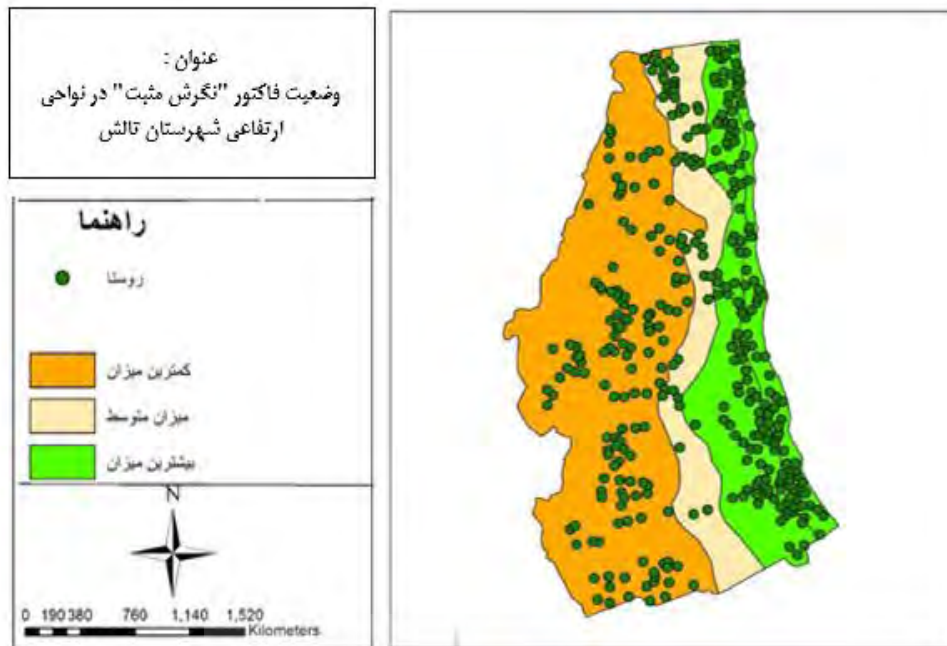
یافته‌ها و بحث

با توجه به نتایج تحقیق در خصوص رفتار مثبت و رضایتمندی، ناحیه کوهستانی نسبت به سایر نواحی رتبه پایینی دارد و دو ناحیه ساحلی و جلگه‌ای وضعیت مشابه دارند، نتایج به دست آمده نشان می‌دهند که میزان نگرش منفی به محیط زیست نیز در نواحی کوهستانی و کوهپایه‌ای بیشتر از دو ناحیه دیگر مشاهده شده است و هر دوی این نواحی مقدار تقریبی ۵ یعنی میزان بالای نگرش منفی را دارا می‌باشند که با سایر یافته‌ها ارتباط معناداری داشته و نشان‌دهنده‌ی این مسئله است که دسترسی پایین و مسیرهای درآمدی محدود، تکیه‌ی بالای افراد به منابع طبیعی موجود را باعث می‌شود و انگیزه‌ی افراد برای حفظ چشم‌انداز موجود را کاهش می‌دهد. به منظور درک بهتر تفاوت‌های موجود در بخش‌های مختلف ارتفاعی جداولی به عنوان جمع‌بندی وضعیت نواحی ارتفاعی آورده شده است:

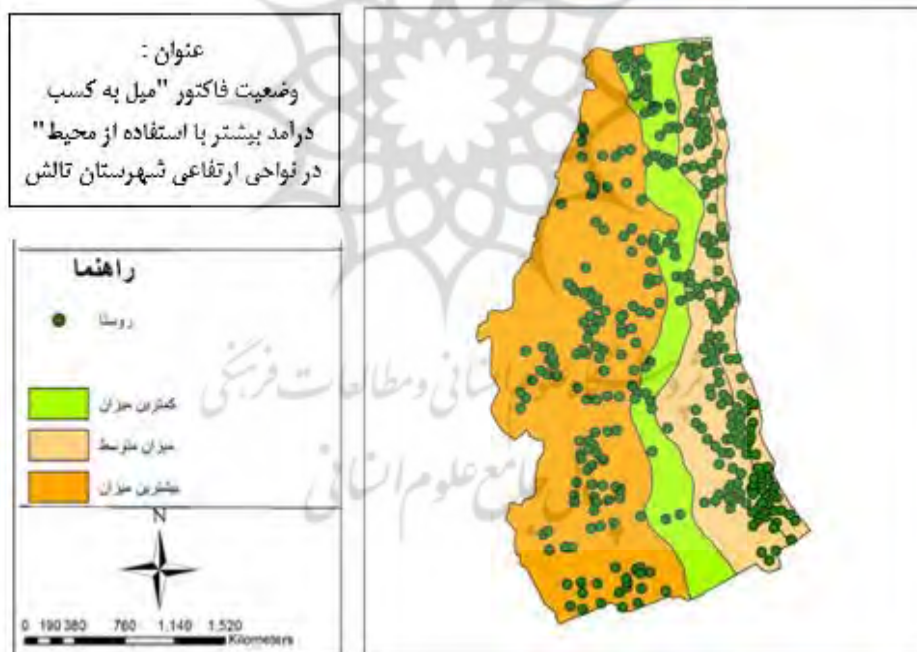
جدول ۱. نتایج نظرسنجی در چهار بخش ارتفاعی تالش درباره‌ی شیوه‌ی رفتار با محیط

عوامل	ساحلی	جلگه	کوهپایه	کوهستان
رفتار مثبت محیط طبیعی	۳/۹۰	۳/۸۸	۳/۴۵	۲/۹۳
تخریب و بهره‌گیری نامطلوب	۲/۴۶	۱/۸۳	۲/۱۷	۲/۸۳
میل به کسب درآمد	۳/۹۰	۳/۸۸	۳/۷۵	۴/۰۳
میانگین دسترسی به خدمات و منابع محیطی	۷۴/۴۴	۷۷/۴۹	۷۵/۳۶	۷۷/۳۴
رفتار منفی نسبت به محیط طبیعی	۴/۸۱	۴/۳۹	۵/۰۰	۴/۹۴

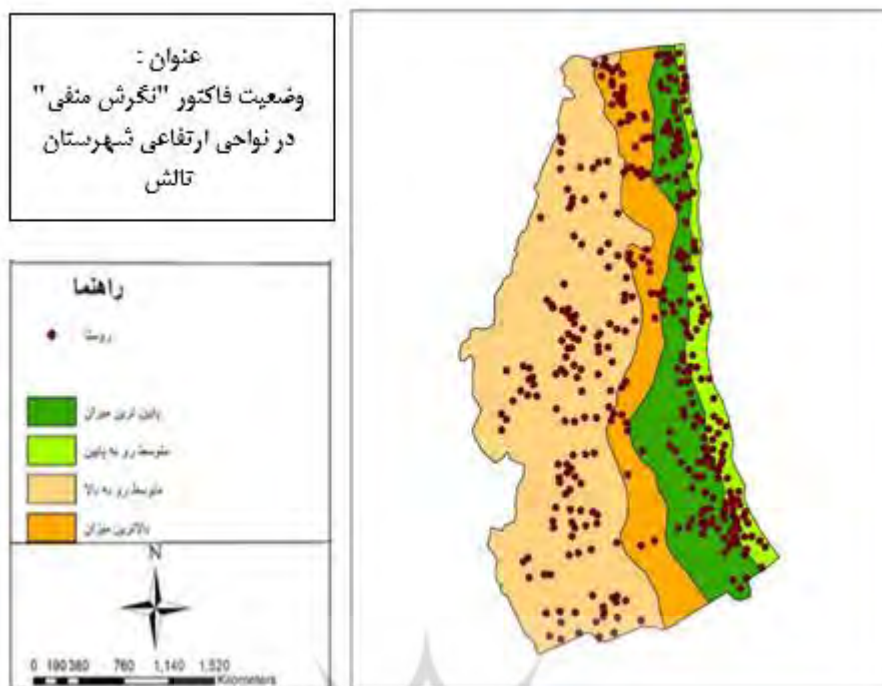
همانگونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود عوامل تخریب و میزان بهره‌گیری نامطلوب از منابع در ناحیه کوهستانی و ساحلی و کوهپایه بیش از ناحیه جلگه‌ای است، بدلیل وجود سکونتگاه‌های شهری در نواحی جلگه و وجود خدمات بیشتر در این بخش بهره‌گیری از منابع محیطی کمتر است لذا سطح و میزان دسترسی به امکانات خدماتی و رفاهی سهم بیشتری نسبت به منابع طبیعی دارد علی‌رغم رضایتمندی و وجود نگرش مثبت نسبت به محیط طبیعی پیرامون در ناحیه ساحلی، چون توان دسترسی بیشتری دیده می‌شود پدیده فشار بر محیط، بیش از سایر نواحی است. روستاهای ناحیه کوهستان با وجود درآمد بیشتر (جدول ۴) و میل به کسب درآمد بالاتر و نگرش مثبت محیطی اندک و نگرش منفی محیطی بالا، زمینه‌های لازم برای روند رو به ازدیاد پیامدهای محیطی منفی فراهم شده است.



شکل ۲. نقشه وضعیت فاکتور "نگرش مثبت" در نواحی ارتفاعی شهرستان تالش



شکل ۳. نقشه وضعیت فاکتور "میل به کسب درآمد بیشتر با استفاده از محیط" در نواحی ارتفاعی شهرستان تالش



شکل ۴. نقشه وضعیت فاکتور "نگرش منفی" در نواحی ارتفاعی شهرستان تالش

با توجه به رضایتمندی پایین در ناحیه کوهستان و میل به کسب درآمد بیشتر، انتظار بر این است که به دلیل توان دسترسی کمتر نسبت به دو ناحیه ساحلی و جلگه، روند صعودی پیامدهای محیطی منفی در این ناحیه بیشتر باشد.

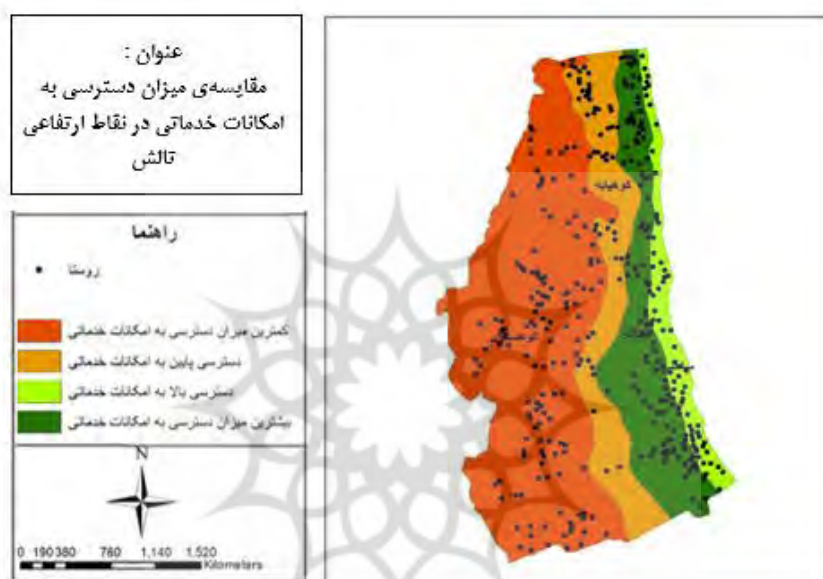
جدول ۲. توزیع جغرافیایی درصد نحوه دسترسی به منابع و امکانات خدماتی در نواحی ارتفاعی روستاهای تالش

کوهستان	کوهپایه	جلگه	ساحلی	نواحی ارتفاعی	دسترسی
۴۱	۱۰۰	۸۳	۷۵	دسترسی به آب بهداشتی	
۵/۱	۳۲	۶۰	۱۰۰	مرتع	
۱۰۰	۱۰۰	۸۴	۷۷	عرصه جنگلی	
۹۳	۸۰	۹۷	۹۸	منابع دریا و رودخانه	
۹۷	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	مراکز خدماتی	
۸۴	۱۰۰	۹۸	۹۷	حمایتهای مالی	
۰	۰	۲۱	۳۴	سردخانه و کارخانه‌ی تبدیلی	
۰	۰	۴۵	۴۶	خدمات بهداشتی	
۷۳	۶۰	۹۲	۱۰۰	امکانات آموزشی و درمانی	
۱۰۰	۱۰۰	۹۸	۱۰۰	منابع انرژی کافی	
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	منابع آب برای کشاورزی	

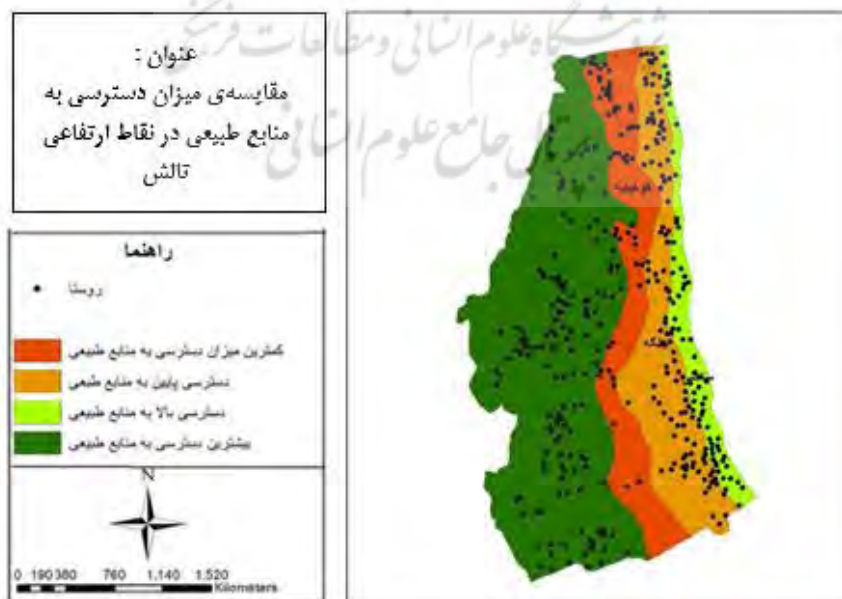
جدول ۳. مقایسه میزان دسترسی به منابع طبیعی و امکانات خدماتی رفاهی در نواحی ارتفاعی تالش

کوهستان	کوهپایه	جلگه	ساحلی	عنوان
۴۳.۵۶	۷۱.۶۵	۷۱.۷۶	۸۶.۷۸	میانگین کل دسترسی
۹۸/۲۵	۸۵	۷۸/۲۷	۷۰/۰۲	میانگین دسترسی به منابع طبیعی
۵۶/۴۳	۶۵/۷۱	۷۶/۷۱	۷۸/۸۶	میانگین دسترسی به امکانات خدماتی و رفاهی

با توجه به جدول بالا در دو ناحیه ساحلی و جلگه‌ای بین درصد دسترسی به منابع طبیعی و امکانات رفاهی، خدماتی تعادل نسبی برقرار است اما بر عکس به ترتیب در دو ناحیه کوهپایه‌ای و کوهستانی نا تعادلی در دو بخش دسترسی بیشتر مشاهده می‌شود. همان طور که در شکل ۵ مشخص است، میزان دسترسی به امکانات زیربنایی و خدماتی و همچنین میزان دسترسی به منابع طبیعی در نواحی مختلف ارتفاعی متفاوت است. در بخش امکانات خدماتی بیشترین برخورداری با نواحی ساحلی و جلگه‌ای شهرستان می‌باشد و پس از آن، نواحی کوهپایه قرار دارند. بخش کوهستانی این شهرستان کمترین برخورداری را در دسترسی به امکانات و خدمات زیربنایی دارد که این مسئله خود باعث آسیب به محیط طبیعی و تغییر چشم‌انداز آن در طولانی مدت خواهد شد. میزان دسترسی به برخی از منابع طبیعی مانند مرتع در بخش کوهستانی قوی‌تر از سایر بخش‌های ارتفاعی است. میزان سود ناخالص از بخش تولید و پرورش دام نیز در این بخش ارتفاعی نشان‌دهنده دسترسی بالای این ناحیه به امکانات طبیعی موجود برای این فعالیت می‌باشد. در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که میزان دسترسی‌ها در نواحی مختلف نیز یکی از عوامل تغییر وضعیت اقتصادی و حفظ محیط زیست در ناحیه می‌باشد.



شکل ۵. نقشه مقایسه‌ی میزان دسترسی به امکانات خدماتی در نقاط ارتفاعی تالش



شکل ۶. نقشه مقایسه‌ی میزان دسترسی به منابع طبیعی در نقاط ارتفاعی تالش

جدول ۴. مقایسه میزان درآمد سالانه در چهار بخش ارتفاعی (میلیون تومان) ۱۳۹۶

بخش ارتفاعی	ساحلی	جلگه	کوهپایه	کوهستان
میزان درآمد سالانه	کمتر از ۱۵	۲۰ تا ۱۵	کمتر از ۱۵	۲۵ تا ۲۰

جدول ۵. توزیع سهم منابع درآمدی روستائیان در چهار بخش ارتفاعی (درصد)

عنوان فعالیت اقتصادی	ساحلی	جلگه	کوهپایه	کوهستان
درآمد بخش کشاورزی	۷۶	۸۹	۸۳	۹۹
درآمد بخش غیر کشاورزی	۲۴	۱۱	۱۷	۱

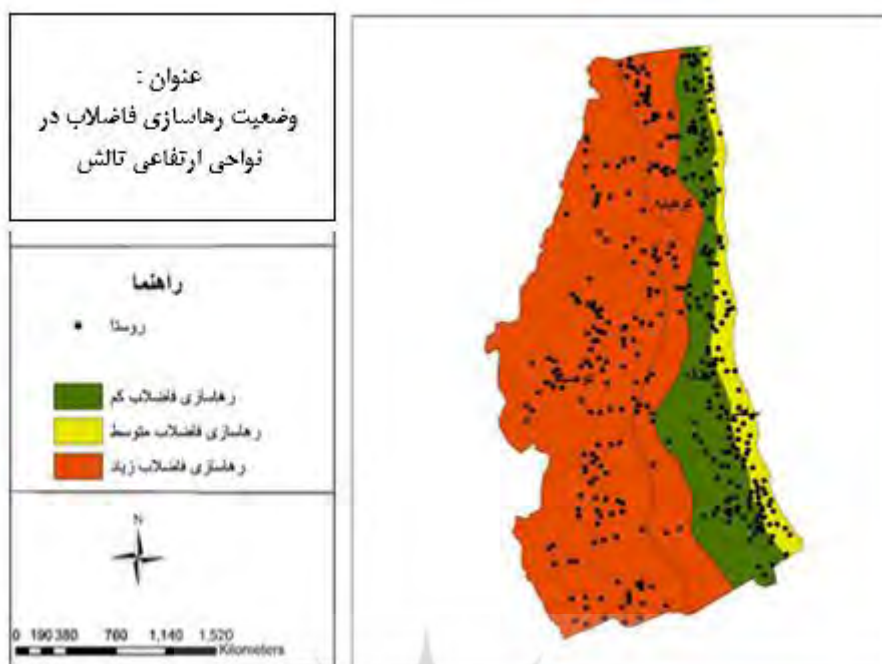
بر اساس تحلیل‌های پیشین مشخص می‌شود که میزان درآمد و تنوع اقتصادی در بخش جلگه و پس از آن بخش ساحلی بیشتر از نواحی مرتفع بوده و این مسئله تا حد بالایی ناشی از میزان دسترسی‌های بیشتر در این نواحی می‌باشد. به عبارتی میزان دسترسی‌ها در مناطق بر سود اقتصادی آن‌ها تاثیر گذاشت و وضعیت اقتصادی آن‌ها در طولانی مدت رفتارهای مثبت یا منفی افراد بر محیط زیست را شکل می‌دهد.

جدول ۶. وضعیت محیط پیرامون نقاط روستایی تالش در بخش‌های مختلف ارتفاعی

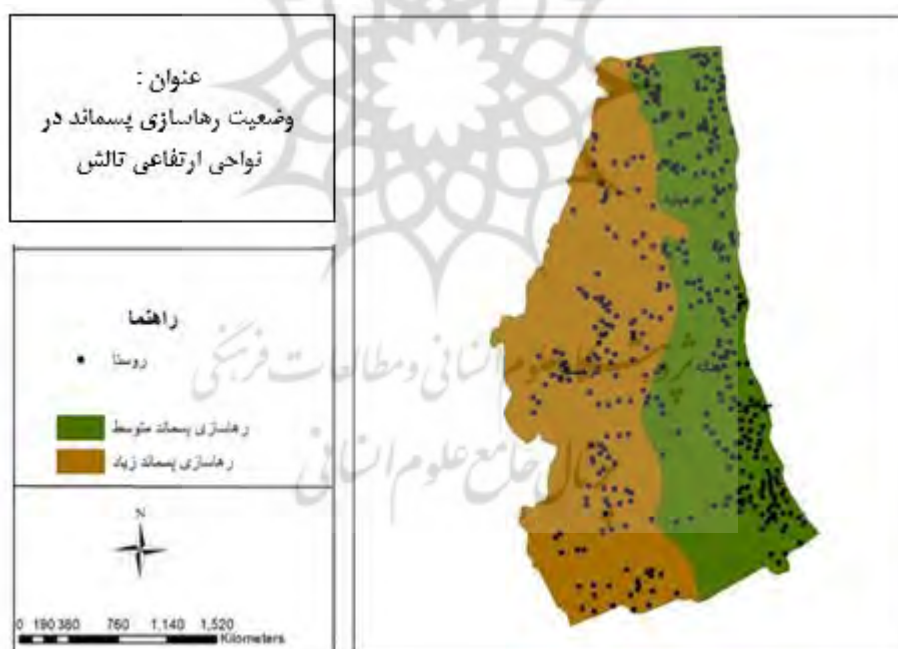
بخش	رهاسازی فاضلاب	رهاسازی پسماندها	آلودگی	تخریب منابع محیطی	افزایش سکونتگاه‌های غیرقانونی	بهره‌برداری غیرمجاز از منابع
ساحلی	۳/۰۰	۳/۰۰	۳/۸۰	۳/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰
جلگه	۱/۰۰	۳/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰
کوهپایه	۱/۰۰	۳/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰
کوهستان	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۳/۰۰	۳/۰۰	۱/۰۰

با استناد جداول بالا همچنین می‌توان بیان نمود که به دلیل فراهم بودن امکانات زیر ساختی و مدیریت منظم برای حفظ محیط زیست مانند ارزان بودن برخورداری از سیستم جمع‌آوری فاضلاب و وجود نظام جمع‌آوری زباله و پسماند و منابع درآمدزای بیشتر در بخش خدمات و کشاورزی و صنعت و فراهم بودن دسترسی به مشاغل دوم در نواحی جلگه و ساحل روستاهای این نواحی آلودگی کمتری در محیط ایجاد می‌نمایند و برعکس به جهت نبود چنین امکانات و شرایط بالا در نواحی کوهستان و کوهپایه رفتارهای آلوده‌سازی محیط بیشتر است و ساکنان روستاهای این نواحی برای بهره‌گیری از درآمد بالاتر به سوی استفاده بیشتر از ظرفیت‌های محیطی تمایل نشان داده و رفتارهای آنان تهاجمی و مداخله‌گرانه به نظر می‌رسد، البته طبیعی است که وقتی ساکنان نواحی مختلف شاهد تفاوت در برخورداری از خدمات باشند برای رفع نیازها در دسترس‌ترین امکانات را مورد استفاده قرار می‌دهند. در زیر وضعیت هر کدام از فاکتورهای مطرح شده در این بخش در نواحی ارتفاعی گوناگون بر روی نقشه نمایش داده می‌شود.

رهاسازی فاضلاب در مناطق روستایی گیلان مسئله‌ای است که بیش از هر آلودگی دیگری به چشم می‌خورد. نبود سیستم جمع‌آوری فاضلاب در این مناطق موجب به وجود آمدن چشم‌اندازهای آلوده، بوی نامطبوع و افزایش بیماری‌ها در این مناطق شده است. در این میان بررسی چگونگی این وضعیت در نواحی ارتفاعی تالش، نقشه‌ی بالا را به دست آورده است (شکل ۷). بر این اساس میزان رهاسازی فاضلاب در این نواحی بیشتر از همه در کوهستان و کوهپایه‌های تالش دیده شده است و پس از آن نواحی ساحلی قرار دارند. در نواحی کوهستانی مهم‌ترین عامل وجود شیب نامناسب به منظور انتقال سیستم‌های فاضلابی به این نواحی می‌باشد و همچنین ورود بالای گردشگر به نواحی کوهستانی که موجب بالا رفتن سطح فاضلاب‌های ناحیه می‌شود. در مورد نواحی ساحلی نیز بالا بودن سطح آب‌های زیرزمینی که موجب اشباع سیستم‌های دفع فاضلاب خانگی می‌شود و عدم وجود سیستم یکپارچه‌ی دفع فاضلاب موجب رها سازی آن‌ها در طبیعت است. نواحی جلگه‌ای این شهرستان با ایجاد سیستم‌های خانگی دفع فاضلاب کمترین رهاسازی فاضلاب در طبیعت را دارند.



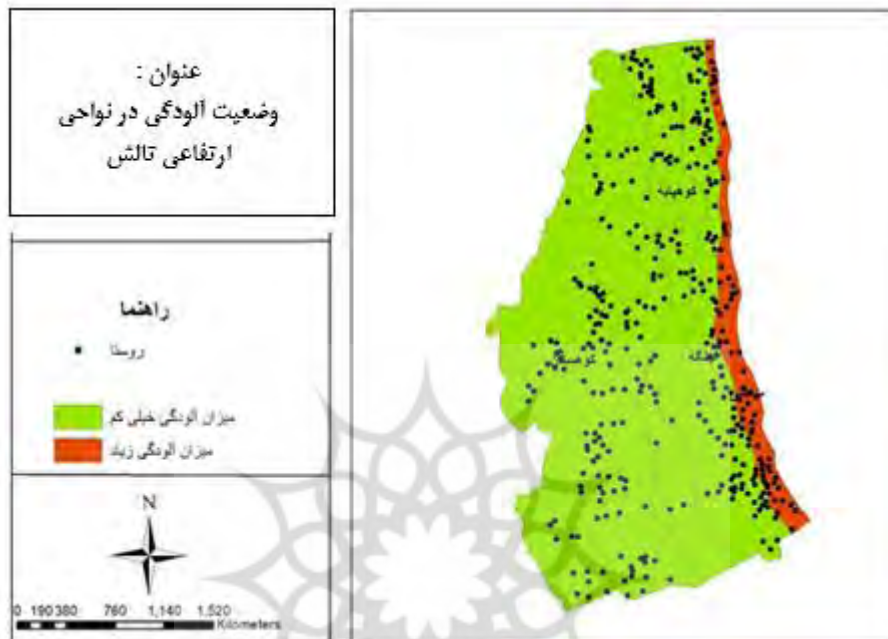
شکل ۷. نقشه وضعیت رهاسازی فاضلاب در نواحی ارتفاعی تالش



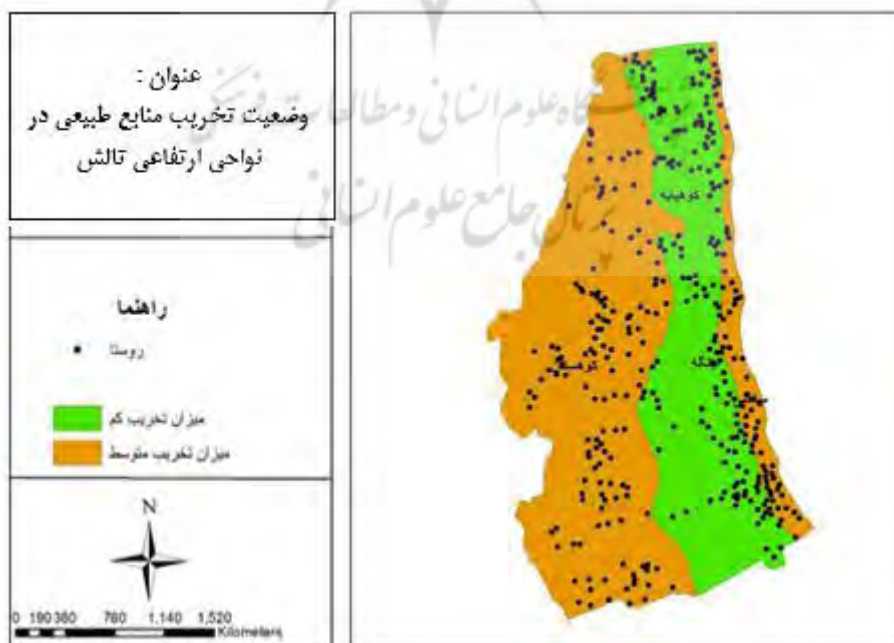
شکل ۸. نقشه وضعیت رهاسازی پسماند در نواحی ارتفاعی تالش

بر اساس اطلاعاتی که نگارنده طی مطالعات میدانی در نواحی مختلف تالش به دست آورده است برای بررسی چگونگی وضعیت فاکتور رهاسازی پسماند و زباله در نواحی روستایی به جمع‌بندی رسیده است که در قالب نقشه‌ی بالا نمایش داده شده است (شکل ۸). بر این اساس از نظر رهاسازی پسماند نواحی ساحلی، جلگه و کوهپایه در یک سطح قرار دارند و هر در سه ناحیه به مقدار میانه رهاسازی پسماند مشاهده می‌شود. اما در نواحی کوهستانی تالش میزان رهاسازی پسماند بیشتر مشاهده شده است که این

اتفاق به دلیل بالا بودن میزان گردشگر در این نواحی و همچنین ناهمواری بالای این نواحی است که موجب مشکل بودن حمل و نقل اتومبیل‌های حمل زباله می‌گردد و موجب پراکندگی بیشتر پسماند در این نواحی شده است. همان گونه که در نقشه‌ی زیر قابل مشاهده است، به دلیل وجود جنگل‌های پهن برگ در شهرستان و فتوستنز بالای حاصل از آن میزان آلودگی نواحی بسار پایین بوده و بیشترین میزان آلودگی فقط در نواحی ساحلی مشاهده می‌شود که بیشتر به دلیل نزدیکی به جاده و بالا بودن تردد اتومبیل و سایر وسیله‌های حمل و نقلی می‌باشد (شکل ۹).

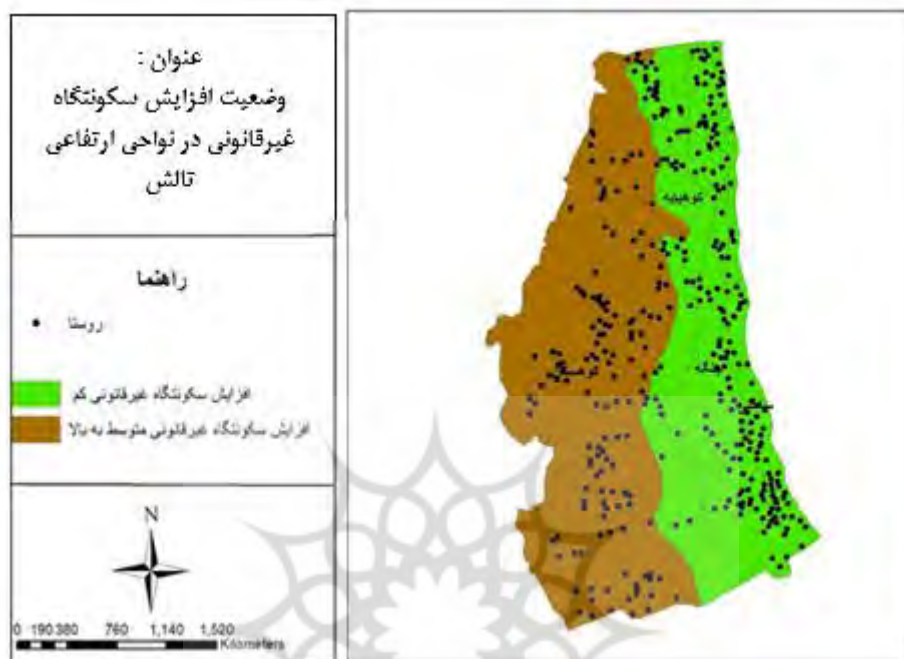


شکل ۹. نقشه وضعیت آلودگی در نواحی ارتفاعی تالش



شکل ۱۰. نقشه وضعیت تخریب منابع طبیعی در نواحی ارتفاعی تالش

وضعیت تخریب منابع در نواحی روستایی تالش به گونه‌ای است که کمترین تخریب در نواحی جلگه و کوهپایه‌ای مشاهده می‌شود و بیشترین تخریب در نواحی ساحلی و کوهستانی وجود دارد. به نظر می‌رسد بزرگترین علت بالا بودن تخریب در این دو ناحیه، گردشگرپذیر بودن آن‌ها و تخریب منابع به علت ساخت و ساز، تغییر کاربری غیرمجاز و فعالیت‌هایی از این دست باشد (شکل ۱۰).



شکل ۱۱. نقشه وضعیت افزایش سکونتگاه غیرقانونی در نواحی ارتفاعی تالش

همانطور که در نقشه‌ی تخریب منابع نمایش داده شد، بیشترین میزان ساخت و سازهای غیرمجاز نیز در نواحی کوهستانی به دست آمده است (شکل ۱۱) و علت آن نیز ساخت و ساز ویلاها و اسکان‌های موقت است که به منظور کسب درآمد بیشتر و اجاره به گردشگران از سوی ساکنین محل و یا افراد سودجو از خارج از محل به وجود می‌آید. بدیهی است که ساخت و سازهای این چنینی موجب تغییرات کاربری و تغییر چشم‌انداز ناحیه در طول زمان خواهد بود. در بحث بهره‌برداری‌های غیرمجاز و اندازه‌گیری این فاکتور، مطالعات نشان می‌دهند که در هیچ‌کدام از نواحی بهره‌برداری بیش از حد مجاز دیده نشده و در کل مقدار این فاکتور نزدیک به صفر می‌باشد. نزدیک صفر بودن این عامل به دلیل عدم نیاز ساکنین به بهره‌برداری بیش از حد از منابع می‌باشد. چرا که همانگونه که در مباحث بالا مشاهده شد افراد ساکن در ساحل و کوهستان بیشترین سود را از گردشگری و اقتصاد مبتنی بر دام دریافت کرده و ساکنین نواحی جلگه‌ای نیز با بالا بودن تنوع در اقتصاد کشاورزی وضعیت مطلوبی را دارا می‌باشند. بخش کوهپایه نیز به علت کم بودن میزان سکونت نتوانسته‌اند تغییرات قابل مشاهده‌ای را در ناحیه بر جای بگذارند.

نتیجه‌گیری

همان طور که اسناد و منابع سرشماری‌ها نشان می‌دهد میزان جمعیت در هر کدام از بخش‌های ارتفاعی این شهرستان متفاوت بوده است. به طوری که روستاهای مستقر در بخش ساحلی و جلگه‌ای از جمعیت بیشتر برخوردار هستند و هر چه ارتفاع روستاها از دریا افزایش می‌یابد از میزان جمعیت نیز کاسته می‌شود. به همین ترتیب میزان دسترسی‌ها نیز در بخش‌های مختلف متفاوت بوده و بر اساس مطالعات میدانی محقق هر چه ارتفاع روستاها بیشتر شده میزان دسترسی به زیرساخت‌های اولیه مانند جاده، امکانات آموزشی، مراکز بهداشتی - درمانی، سیستم دفع فاضلاب و... نیز کاهش می‌یابد.

میزان دسترسی به منابع طبیعی مانند دسترسی به آب کشاورزی، دسترسی به جنگل و سایر منابع طبیعی در تمامی نواحی وجود داشته است. به جز دسترسی به برخی از منابع که بسته به میزان ارتفاع دسترسی آن‌ها تغییر می‌کند. مانند دسترسی به مرتع که در ناحیه‌ی کوهپایه صد در صد بوده و در سایر نواحی درصد کمتری را نمایش می‌دهد.

میزان دسترسی‌ها عاملی برای رشد اقتصاد نواحی به شمار می‌رود و از طرفی تا حد قابل توجهی معلول توان اقتصادی نواحی نیز می‌باشد. از این رو قابل درک است که وضعیت اقتصادی در چهار ناحیه‌ی ارتفاعی متفاوت بوده و هر کدام دارای ویژگی‌های اقتصادی خاص خود هستند.

طی مطالعات انجام شده قوی‌ترین بخش اقتصادی در بین چهار بخش عنوان شده، بخش جلگه‌ای تالش محسوب می‌شود که علاوه بر تولید ناخالص داخلی در بخش فعالیت‌های عمده‌ی روستایی از تنوع فعالیت‌های اقتصادی نیز برخوردار است. این بخش از نظر دسترسی‌ها نیز در وضعیت مطلوب‌تری نسبت به سایر بخش‌ها قرار دارد. نکته‌ی قابل توجه در این است که طی مطالعات انجام گرفته در ناحیه به صورت میدانی و به استناد مشاهدات محقق میزان آلودگی، تخریب محیط، تغییرات غیرمجاز برای ساخت مسکن و اثرات منفی بر تغییر محیط بسیار ناچیز و در برخی روستاها در کل مشاهده نشده است. نتایج نشان می‌دهد که این ناحیه بیشترین نگرش مثبت و کمترین نگرش منفی را در بین چهار ناحیه‌ی مطالعاتی به دست آورده است.

ناحیه ساحلی تالش نیز بعد از جلگه قرار داشته و از وضعیت اقتصادی بهتری نسبت به دو ناحیه‌ی کوهپایه و کوهستان برخوردار است. میزان دسترسی‌ها در این ناحیه نیز بالا بوده و میزان آلودگی‌ها، تخریب‌های محیط، توسعه‌ی کالبدی غیرقانونی و... در حد متوسط رو به پایین قرار دارد.

در این بین نواحی کوهپایه نسبت به دو ناحیه‌ی فوق وضعیت ضعیف‌تری از نظر اقتصادی داشته و میزان دسترسی به زیرساخت‌های اولیه نیز رو به پایین است. در این ناحیه مشاهدات میدانی محقق نشان می‌دهد میزان تغییرات مخرب در محیط بیشتر بوده و نگرش‌های مثبت در هر دو ناحیه کمتر دیده می‌شود. اما نکته‌ای که قابل توجه می‌باشد میزان درآمد بالا در بخش کوهستانی و آسیب به ناحیه می‌باشد. بر اساس مطالعات میدانی محقق ناحیه‌ی کوهستانی از قاعده‌ی کلی تحقیق پیروی نکرده و متغیرهای دیگری آن را کنترل می‌کند. در کوهستان علاوه بر بالا بودن میزان درآمد سالانه، میزان آسیب به ناحیه؛ همچون افزایش سکونتگاه‌های غیر مجاز، تخریب محیط و... نیز بالاست. این بخش از تحقیق رفتار دیگری را نشان می‌دهد. به عبارتی تحلیل نگارنده بر این است که این همبستگی در چارچوب مکتب رفتارگرایی فرضیه‌های مطرح شده در ابتدای تحقیق را اثبات می‌کند. بر این اساس در چارچوب مکتب رفتارگرایی می‌توان گفت که میزان درآمد و وضعیت اقتصادی هر ناحیه موجب شکل‌گیری الگوهای رفتاری مثبت یا منفی در ناحیه می‌شود که این الگوهای رفتاری می‌تواند موجب آسیب رساندن یا توسعه‌ی محیط پیرامون گردد. و تداوم این چرخه در طول سالیان متمادی می‌تواند چشم‌انداز ناحیه را دست خوش تغییر نماید.

منابع

- ازکیا، مصطفی. (۱۳۷۸). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی، ویرایش دوم، تهران، انتشارات اطلاعات.
- اصلاح عربانی، ابراهیم. (۱۳۸۷). کتاب گیلان، تهران، گروه پژوهشگران گیلان.
- آسایش، حسین. (۱۳۷۶). بررسی پدیده فقر و محرومیت در ایران: نابرابری و شکاف بین شهر و روستا در ایران، جهاد، ۲۰۰ و ۲۰۱، ۱۲-۲۱.
- بالان، احمد. (۱۳۸۲). سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد *FAO*، سیاست و راهبرد فائو در زمینه همکاری با سازمان‌های غیر دولتی و تشکل‌های مدنی، وزارت جهاد کشاورزی.
- بهوروز، فاطمه. (۱۳۷۰). بررسی‌های ادراک محیطی و رفتار در قلمرو مطالعات جغرافیای رفتاری و جغرافیای انسانی معاصر، سال ششم، شماره ۲۰، مشهد، آستان قدس رضوی.
- بهوروز، فاطمه. (۱۳۷۹). تحلیلی جغرافیایی بر توسعه و تباین رفاه انسانی در دنیا، پژوهش‌های جغرافیایی، ۳۸، ۹۷-۱۱۳.
- بهرامیان، سمیرا. کرمی، ایت اله. (۱۳۹۶) بررسی روند فقر در مناطق روستایی ایران. فصلنامه تحقیقات اقتصاد کشاورزی، ۱۰(۴)، ۲۱۴-۱۹۵.
- تودارو، مایکل (۱۳۷۰). توسعه اقتصادی در جهان سوم، جلد اول. ترجمه‌ی غلامعلی فرجادی. تهران. سازمان برنامه و بودجه.
- جزایری و نیازی. (۱۳۷۵). مدیریت منابع و کاهش فقر در مناطق روستایی، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ویژه، ۲۷۷ - ۲۸۶.
- حمزه، فرهاد. (۱۳۸۸). از رفتار تا رفتارگرایی. فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیا، ۳ (۸-۹)، ۷۱-۹۷.
- خانی، فضیله. (۱۳۷۱). فقر و فقرزدایی در مناطق روستایی، نشریه علوم انسانی دانشگاه الزهراء(س)، ۹ و ۱۰، ۴ تا ۲۱.

- دولفوس، اولیویه. (۱۳۶۹). *فضای جغرافیایی*، ترجمه سیروس سهامی، نشر نیکا، مشهد.
- سرور، رحیم. (۱۳۸۹). جغرافیای رفتاری و توانمندسازی کودکان و نوجوانان سکونتگاه‌های غیررسمی (مطالعه موردی: محله جمشیدآباد شهر خوی). *نشریه شهرسازی و معماری هفت شهر*، ۳۳ و ۳۴، ۳۹-۴۶.
- شکوئی، حسین. (۱۳۸۲). *اندیشه‌های نو در فلسفه‌ی جغرافیا*، جلد دوم، تهران: گیتاشناسی.
- شریفی نیا، زهرا. (۱۳۹۰). نقش فقر بر اجتماعی و اقتصاد روستایی زیست تخریب محیط (موردی مطالعه: مرتع‌میزی شده شورود، بخش شیب‌آب شهرستان زابل). *پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، ۷۶، ۸۴-۶۷.
- فاطمی، مهران، رضایی، حجت، مطیعی لنگرودی، سیدحسین، فرحی سبکبار، حسعلی، دربان آستانه، علیرضا. (۱۳۹۸). تحلیل الگوی حاکم بر نظام برنامه‌ریزی توسعه پایدار اقتصاد روستایی ایران (مطالعه موردی: استان یزد). *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی*، ۳(۸)، ۹۹-۱۱۸.
- فرونی، بهزاد. (۱۳۹۶). نقش عوامل محیطی در توسعه اقتصاد روستایی (مطالعه موردی: بخش دیلمان شهرستان سیاهکل). *فصلنامه نگرش-های نو در جغرافیای انسانی*، ۳(۹)، ۲۵-۴۹.
- فنی، زهره. (۱۳۹۴). *دیدگاهها و مکاتب در جغرافیای انسانی*، دانشگاه شهید بهشتی
<http://facultymembers.sbu.ac.ir/fanni>
- کلایتون، سوزان و مایرز، جین. (۱۳۹۰). *روان‌شناسی حفاظت محیط زیست، درک و ترغیب مراقبت انسان از طبیعت*، زیر نظر و به ویراستاری علمی مجید صفاری نیا؛ مترجمان مجید صفاری نیا، و دیگران، تهران: کتاب ارجمند
- گیلیس، ترکنز، رومر، اسنورگراس. (۱۳۷۹). *اقتصاد توسعه*، ترجمه‌ی غلام رضا آزادارمکی، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات نشر نی.
- متوسلی، محمود. (۱۳۸۲). *توسعه اقتصادی: مفاهیم، مبانی نظری، رویکرد نهادگرایی و روش‌شناسی*؛ سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی.
- مطیعی لنگرودی، سیدحسین. (۱۳۸۸). *حفاظت محیط زیست و برنامه‌ریزی توسعه فیزیکی روستا با تاکید بر ارزیابی طرح‌های هادی روستایی*، *مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*، ۲۱ (۳)، ۴۵-۶۰.
- نبیلی، حمیدرضا، یوسفی، ناصح. (۱۳۹۰). *نقش ادراکات محیطی بر شکل‌گیری فضاهای معماری و بافت‌های روستایی*، مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی سکونتگاه‌های روستایی: مسکن و بافت - سال ۱۳۸۹
- یاسوری، مجید. (۱۳۹۴). *مقدمه‌ای بر اقتصاد روستایی*، رشت: انتشارات دانشگاه گیلان.
- سازمان مدیریت برنامه‌ریزی استان گیلان، *نتایج سرشماری نفوس و مسکن*، ۱۳۹۵، www.mpogl.ir
- سازمان مدیریت برنامه‌ریزی استان گیلان، *بازنگری طرح آمایش سرزمین*، ۱۳۹۶
- Aitken, S. Valentine, G. (2006). *Approaches to Human Geography*, at
<http://dx.doi.org/10.4135/9781446215432>
- Cao, S., Xu, D., & Liu, S. (2018). A study of the relationships between the characteristics of the village population structure and rural residential solid waste collection services: Evidence from China. *International journal of environmental research and public health*, 15(11), 2352.
- Clayton, Susan . Myers, Jane (2011). *Psychology of environmental protection, understanding and encouraging human care for nature, under the supervision and scientific .editing of Majid Saffarinia*; Translators of Majid Saffarinia, .. and others, Tehran: Arjmand book
- Halkos, G., & Matsiori, S. (2017). Environmental attitude, motivations and values for marine biodiversity protection. *Journal of Behavioral and experimental Economics*, 69, 61-70.
- Ma, Y., Qiao, J., & Han, D. (2020). Interpreting the humanistic space of urban-rural interface using consumption behaviors. *Journal of Rural Studies*.
- Soseco, T. (2016). The Relationship between rural accessibility and development. *Jurnal Ekonomi dan Studi Pembangunan*, 8(2), 31-40.